

اسراف و احکام آن از دیدگاه محقق نراقی

دکتر ولی الله ملکوتی فر

مسئله اسراف در قرآن مجید و احادیث و سخنان علما بارها بیان شده و فقیهان حکم به حرمت آن نموده‌اند. مرحوم نراقی می‌فرماید:

هیچ‌یک از علما موارد اسراف را تفصیلاً بیان نکرده، بلکه به اجمال بحث را رها کرده‌اند و حال آن‌که تبیین حدود آن از امور مهم و لازم است که ما آن را طی چند بحث بررسی می‌کنیم:

بحث اول: حرمت اسراف

در حرمت اسراف بحثی نیست و اجماع قطعی بر آن دلالت دارد، بلکه از ضروریات دین می‌باشد و در آیات و اخبار فراوانی این مسئله بیان شده است.

در سوره اعراف می‌فرماید:

کلوا واشربوا ولا تسرفوا انه لا یحب المسرفین^۱. بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد.

در سوره انعام نیز می‌فرماید:

واتوا حقة یوم حصاده ولا تسرفوا انه لا یحب المسرفین^۲... و زکات آن را به هنگام برداشت بدهید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد.

در سوره نساء هم می فرماید:
ولا تأكلوها اسرافاً و بداراً^۱. و از بیم آن که مبادا کبیر شوند اموالشان را با شتاب اسراف
نکنید.

در سوره فرقان می خوانیم:
والذین اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا وکان بین ذلك قواماً^۲. و آنان که به گناه هزینه
اسراف نمی کنند و بخل نمی ورزند، بلکه به اعتدال رفتار نمی کنند.
در سوره بنی اسرائیل آمده است:
ولا تبذر تبذیراً، ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین^۳. و هرگز اسراف و تبذیر نکن؛ زیرا
مصرفان برادران شیطانند.

و در سوره شعراء می فرماید:
ولا تطیعوا امر المفسرفین^۴. و فرمان اسراف کاران را اطاعت نکنید.
و در سوره یونس در وصف فرعون فرموده است:
وانه لمن المفسرفین^۵. و فرعون در زمین جاه طلب و مسرف بود.
و نیز در همین سوره می فرماید:
کذلک زین للمفسرفین ما کانوا یعملون^۶ بدین گونه کردار مسرفان در نظرشان زینت داده
شده است.

هم چنین خدای سبحان در سوره اسراء می فرماید:
ولا تجعل یدک مغلوله الى عنقک ولا تبسطها کل البسط و فتقعد ملوماً محسوراً^۷. هرگز
دست خود را به گردنت نبند و بیش از حد آن را مگشاکه مورد سرزنش قرارگیری و از
کار فرومانی.

در سوره مؤمن می خوانیم:
ان المفسرفین هم اصحاب النار^۸ و اسراف کاران از اهل آتش هستند.

احادیث

۱. روایة داود البرقی عن ابی عبد الله (ع) قال: ان القصد امر یحبه الله وان السرف امر یبغضه
الله حتی طرحک النواة فانها تصلح لشیء و حتی صبتك فضل شرابك^۹.

۳. بنی اسرائیل / ۳۶ و ۳۷.

۶. یونس / ۱۲.

۹. ۵۲ / ۴. ۹

۲. فرقان / ۶۷.

۵. یونس / ۸۳.

۸. مؤمن / ۲۳.

۱. نساء / ۶.

۴. شعراء / ۱۵۱.

۷. اسراء / ۲۹.

میان‌هروی امری است که خداوند دوست دارد و اسراف امری است که مبعوض خداوند است حتی انداختن هسته خرما؛ چراکه کاربرد دارد و حتی ریختن زیادی آب اسراف است.

۲. مرفوعة علی بن محمد: قال امیرالمؤمنین علی(ع): القصد مشارة والسرف متواة^۱.

میان‌ه روی سبب ثروت است و اسراف سبب هلاکت.

«المثناة» و «المشواة» اسم الت از ثروت است و «الثوی» به معنی هلاکت و تلف است.^۲

۳. روایة عامر بن خداعه عن ابی عبدالله(ع): انه قال لرجل: اتق الله ولا تسرف ولا تقتر ولكن بین ذلك قواماً ان التبذیر من الاسراف قال الله تعالی ولا تبذیر تبذیراً^۳.

امام صادق(ع) به مردی فرمود: تقوای خدا پیشه کن، اسراف نکن و سخت‌گیر مباش. رعایت حد وسط کن. تبذیر در حکم اسراف است. خداوند می‌فرماید «هرگز تبذیر نکنید».

۴. روایة ابن ابی یعفور عن ابی عبدالله(ع) قال: ان رسول الله(ص) قال: ما من نفقة احب الی الله عز وجل من نفقة قصد وینقض الاسراف الا فی الحج والعمرة^۴.

امام صادق(ع) می‌فرماید: پیامبر می‌فرماید: هیچ هزینه‌ای نزد خداوند محبوب‌تر از میان‌هروی نیست. خداوند اسراف را مبعوض دارد مگر در حج و عمره.

۵. در نامه علی بن موسی(ع) به مأمون که در عیون اخبار الرضا آمده است، از گناهان کبیره چنین یاد می‌کند: کشتن نفس که خداوند آن را حرام کرده، زنا و سرقت و ... و اسراف است.^۵

۶. در تفسیر صافی آمده است: انه(ع) دعا بر صلب فاقبل بعضه لم یرمی بالثوی فقال(ع): لا تفعل ان هذا من التبذیر وان الله لا یحب الفساد^۶. شخصی در حضور امام صادق هسته خرما را پرت کرد. امام فرمودند: این کار را نکن که تبذیر است و خداوند فساد را دوست ندارد. روایة عبید قال: قال ابو عبدالله: ان السرف یورث الفقر و ان القصد یورث الغنی. اسراف سبب فقر و میان‌هروی سبب بی‌نیازی می‌شود.

۱. الکافی ۴: ۵۲ / ۴؛ الوسائل ۱۵ / ۲۵۸؛ ابواب النفات ب ۲۵ ج ۴.

۲. النهایه ابن اثیر ۱ / ۲۰۱؛ المصباح الضمیر ۱ / ۷۹.

۳. الفتنیه ۲ / ۱۸۳ / ۲ / ۸۸ / ۳؛ ۱۰۲ / ۴۰۸؛ المحاسن ۳۵۹ / ۱۷۷؛ الوسائل ۸: ۱۰۶؛ ابواب وجوب الحج ب ۵۵ ج ۱ و

۳۰۵؛ ابواب آداب السفر فی الحج ب ۳۵ ج ۱.

۴. عیون اخبار الرضا ۲: ۱۲۷ / ۱۱؛ الوسائل ۱۱: ۲۶۱؛ ابواب جهاد النفس ب ۴۶ ج ۳۳.

۵. تفسیر الصافی ۳: ۱۸۸؛ تفسیر العیاشی ۲: ۲۸۸ / ۵۸؛ المستدرک ۱۵: ۲۶۸؛ ابواب النفات، ب ۲۳، ج ۱.

۷. وفي رواية عبد الله بن سنان، قال: سألت ابا الحسن الاول (ع) عن النفقة على العيال؟ فقال: ما بين المكروهين الاسراف والتقتير.^۱ از ابوالحسن اول (ع) درباره مقدار هزینة خانواده سؤال شد، فرمود: بین دو امر ناپسند: اسراف و سخت گیری (بخل).

۹. في رواية الثمالي عن علي بن الحسين (ع) قال: قال رسول الله: ثلاث منجيات... القصد في الغناء والفقر.^۲ پیامبر فرمودند، سه چیز موجب نجات است: ... میانه روی در ثروت و فقر.

۱۰. رواية ابن ابي يعفور و يوسف بن عماره قالا: قال ابو عبد الله (ع) ان مع الاسراف قلة البركة.^۳

اسراف سبب کمی برکت می شود.

۱۱. وفي رواية عمار بن عاصم قال: قال ابو عبد الله (ع): اربعة لا يستجاب لهم: احدهم من كان له مال فاقده فيقول يارب ارزقني فيقول الله عز وجل: ألم آمرك بالاعتقاد.^۴
دعای چهار کس مستجاب نمی شود؛ یکی کسی که مالی را داشته باشد و آن را تباه کند. بنده می گوید: خدایا! به من روزی بده. خداوند می فرماید: مگر به تو امر نکردم که میانه روی را رعایت کن.

۱۲. در اخبار اهل سنت آمده: عن عبد الله بن عمر: مرّ رسول الله بسعدٍ وهو يتوضأ، فقال: لا تسرف ما هذا السرف، يا سعد! قال: أفي الوضوء سرف؟ قال: نعم وان كنت على نهر جار و مثله مروى عن امير المؤمنين.^۵

از عبدالله بن عمر نقل شده: رسول الله سعد را در حال وضو مشاهده کرد و فرمود: اسراف نکن، چرا اسراف می کنی؟! سعد عرض کرد: آیا در وضو نیز اسراف ممکن است؟ فرمود: بلی، گرچه کنار جوی آب باشی.

۱۳. رواية حريز المرويه في الكافي عن ابي عبد الله (ع) ان الله ملكا يكتب سرف الوضوء كما يكتب عدوانه.^۶

گرچه بعضی از این اخبار بر بیش از مرجوحیت و حسن ترک دلالت ندارد، اما نهی صریحی که در آیات متعدد وارد شده و این که در بعضی اخبار تصریح شده که اسراف

۱. الكافي ۴: ۵۵ / ۲؛ الوسائل ۱۵: ۲۶۱ ابواب النفقات ب ۲۷ ح ۱.

۲. الكافي ۴: ۵۳ / ۵؛ الوسائل ۱۵: ۲۵۸ ابواب النفقات ب ۲۵ ح ۵.

۳. الكافي ۴: ۵۵ / ۳؛ الوسائل ۱۵: ۲۶۱ ابواب النفقات ب ۲۷ ح ۲.

۴. الكافي ۴: ۵۶ / ۱۱؛ الوسائل ۱۵: ۲۶۱ ابواب النفقات ب ۲۷ ح ۴.

۵. سنن ابن ماجه ۱: ۱۴۷ / ۴۲۵، سنه احمد ۲: ۲۲۱.

۶. الكافي ۳: ۲۲ / ۱۹؛ الوسائل ۱: ۳۴۰ ابواب الوضوء ب ۵۲ ح ۲.

مبغوض خداوند است و نیز در بعضی اخبار اسراف سبب هلاکت و در برخی دیگر از گناهان کبیره شمرده شده، در حرمت آن کافی است. ابن خاتون عاملی در شرح فارسی خود بر اربعین شیخ بهایی ضمن این که اسراف را از گناهان کبیر معرفی می‌کند، چنین می‌نویسد: بعضی از بزرگان گناهان کبیره را چهارده مورد دانسته‌اند که اهم آن‌ها اسراف در مال خود است؛ یعنی مصرف کردن بیش از آنچه شایسته است.^۱

بحث دوم: معنی اسراف و تعیین موارد و مصادیق آن

جوهری در صحاح می‌نویسد: اسراف ضد اقتصاد است و سرف به معنی اغفال خطل است. وقد سرفت الشيء: نسبت به آن غافل و جاهل شدی. اسراف در نفقه به معنی تبذیر است.^۲

در صحاح به عرضی خطل خلط دارد. که هر دو به یک معنی است. فیروز آبادی در قاموس می‌نویسد: السرف ضد قصد است، به معنی اغفال و خطا، اسراف به معنی تبذیر است و خرج مال در غیر بندگی خداست.^۳ ابن اثیر در نهایه می‌نویسد: در حدیث عایشه آمده است: انّ للحم سرفاً کسرف الخمر.^۴ در خوردن گوشت حرص و اعتیادی است... مانند حرصی که نسبت به خمر است. گفته شده: منظور از سرف غفلت است؛ گفته می‌شود: رجل سرف الفواد، یعنی غافل و کسرف العقل به معنی کم عقل است و گفته‌اند به معنی اسراف و تبذیر نفقه در غیر حاجت و غیر طاعت الهی است. طریحی در مجمع البحرین در ذیل آیه شریفه «ولا تسرفوا» می‌نویسد: اسراف به معنی خوردن چیزی است که حلال نیست و گفته‌اند: بیش از حد خوردن چیزی است که حلال است و گفته‌اند: آنچه در راه غیر خدا انفاق می‌شود. در حدیث ابن نباته از امیرالمؤمنین آمده که اسراف کننده سه علامت دارد: می‌خورد آنچه را که برای او نیست، می‌پوشد آنچه را که برای او نیست^۵ و می‌خرد آنچه را که در شأن و شایسته وی نیست.

مرحوم نراقی می‌فرماید: معنی حدیث این است که آنچه را که لایق او نیست می‌خورد و آنچه را که سزاوار او نیست می‌خورد و آنچه را که شایسته او نیست می‌پوشد.^۶

۲. صحاح، ح ۴: ۱۳۷۳.

۱. اربعین شیخ بهایی ترجمه ابن خاتون: ۴۸۶.

۳. قاموس المحيط ۳: ۱۵۶. ۴. البحار ۶۳: ۶۹ ح ۵۷.

۵. الفقیه ۳: ۱۰۲ / ۴۱۱؛ الحصال ۱: ۹۷ الوسائل ۱۲: ۴۱ ابواب مقدماتی التجاره ب ۲۲ ح ۴.

۶. مجمع البحرین ۵ / ۶۹.

ابن مسکویه در کتاب «ادب الدینا والدین می نویسد: اسراف عبارت است از جهل به مقدار حقوق، و تبذیر جهل به مواقع حقوق است.

آرای مفسران درباره اسراف

شیخ جلیل علی بن ابراهیم قمی در تفسیر آیه شریفه «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا»^۱ می نویسد: اسراف عبارت است از صرف مال در معصیت به ناحق و معنی «لم یقتروا» این است که نسبت به حق خدا بخل نورزیدند و «معنی القوام» عدل و خرج مال در راه خدا می باشد.^۲

شیخ ابو علی طبرسی در مجمع البیان در تفسیر آیه شریفه «کلوا واشربوا ولا تسرفوا»^۳ می نویسد: یعنی از حلال به حرام تجاوز نکنید. مجاهد می گوید: اگر به اندازه کوه احد در طاعت خدا خرج کنی، اسراف کننده نخواهی بود و لکن اگر یک درهم یا یک مد طعام در معصیت خدا خرج کنی اسراف خواهد بود. و گفته اند: معنی این است که از حد وسط در مقدار خارج نشوید. و گفته اند: به صورت حرام و باطل بر وجهی که حلال نباشد نخورید و خوردن حرام گرچه کم باشد اسراف و گذشت از حد است و نیز آنچه را که عقلاً زشت می شمارند و همراه با ضرر است نیز اسراف است؛ مثل کسی که غذا را با گلاب می پزد و به آن بوی خوش اضافه می کند و مانند کسی که بیش از یک دینار ندارد و آن را به بوی خوش می دهد و استعمال می کند و حال آن که خانواده اش محتاج می باشد. و معنی «انه لایحب المرفین» این است که خداوند آن‌ها را دشمن می دارد، چون خداوند آن‌ها را ذم کرده است و اگر معنی آیه این می بود که خداوند نه آن‌ها را دوست می دارد و نه دشمن، ذم حساب نمی شد.^۴

طبرسی در تفسیر جوامع الجامع در تفسیر آیه «انکم لتأتون الرجال... بل انتم قوم مسرفون» می نویسد: یعنی در فساد از حد متعارف تجاوز به غیر متعارف می کنید. زمخشری در کشاف در تفسیر آیه: «اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا»^۵ می نویسد: القتر و الاقتار و التقیر به معنی تنگی است که ضد اسراف است و اسراف تجاوز از حد در خرجی زندگی است و خداوند مؤمنان را به قصد - که بین غلو و تقصیر - است توصیف کرده است و به مثل به این پیامبر (ص) امر شده است: «ولا تجعل یدک مغلولة الی عنقک ولا تبسطها کل البسط فتتعد ملوماً محسوراً»^۶.

۱. فرقان / ۶۷. ۲. تفسیر القمی ۲: ۱۱۷. ۳. اعراف / ۳۱. ۴. مجمع البیان ۴: ۴۱۳. ۵. فاطر / ۶۷. ۶. اسراء / ۲۹.

و گفته‌اند اسراف عبارت است از انفاق مال در معاصی و اما در راه‌های خدا اگر اسراف کنید اسراف نیست، شخصی شنید که می‌گویند: «در اسراف خیری نیست». گفت: در خیر اسراف نیست از عمر نقل شده که گفته است: در صدق اسراف همین بس که شخص چیزی را که میل ندارد بخرد و بخورد.

مقدس اردبیلی در آیات الاحکام در تفسیر آیه: «ولا تبذر تبذیراً»^۱ می‌نویسد: التبذیر عبارت است از هزینه کردن مال در آنچه سزاوار نیست و خرج کردن آن به طریقی که منجر به اسراف شود.

عرب جاهلی شتر را سر می‌برد و گوشت آن را تقسیم می‌کرد و اموالش را برای ربا خرج می‌کرد. خداوند امر کرد که آن‌ها را در راه‌های صحیح که منجر به تقرب به خدا می‌شود خرج کنند.

از عبدالله نقل شده که اسراف عبارت است از هزینه کردن مال در چیزی که حقیق نیست.

از مجاهد نیز نقل شده: اگر کسی یک مُدّ در باطل خرج کند تبذیر است^۲ و نیز در تفسیر آیه شریفه «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا» می‌گوید^۳: نقل شده که سرف به معنی تجاوز از حد است و افتار عبارت است از کوتاهی از آنچه باید هزینه شود.^۴

مقدس اردبیلی در ادامه می‌نویسد: اگر کسی مالش را در راهی که از نظر عقل یا شرع شایسته نیست صرف کند - گرچه فایده دینی یا دنیوی داشته باشد - آن مال را شرعاً ضایع کرده و مبذر و سفیه است.^۵

مرحوم نراقی می‌فرماید: آنچه از کلمات لغویین و مفسرین استفاده می‌شود این است که اسراف در معانی بسیاری به کار آمده است؛ از قبیل: ۱- اغفال؛ ۲- جهل؛ ۳- خطا؛ ۴- خطل؛ ۵- تبذیر؛ ۶- ضد میانه‌روی؛ ۷- گذشت از حد؛ ۸- گذشت از حد وسط؛ ۹- انفاق مال در موردی که نیاز نیست؛ ۱۰- در جایی که حق نیست؛ ۱۱- در غیر راه خدا؛ ۱۲- در راه معصیت؛ ۱۳- زیاده‌روی در گناه؛ ۱۴- در آنچه عقلاً آن را زشت می‌شمارند؛ ۱۵- وجهل خاصی که عبارت است از جهل به مقدار حق که در مجموع پانزده معنی شد.

محقق نراقی در ادامه می‌نویسد: ظاهراً اغفال و جهل به یک معنی می‌باشد و جهل به مقدار حقوق، یکی از مصادیق مطلق جهل است نه این که معنی جداگانه‌ای داشته باشد و

۳. فرقان/ ۶۸.

۲. زبدة البیان ۴۸۸.

۱. اسراء/ ۲۶.

۵. همان.

۴. همان.

نیز خطاء و خطل هم به یک معناست لذا پانزده معنی به دوازده معنی بر می‌گردد. ظاهراً منظور از ضد قصد (=ضد میانه‌روی) گذشت از حد است و مراد از حد، همان حد وسط است و انفاق در غیر حاجت به معنی انفاق در غیر حق است و انفاق در غیر طاعت نیز فردی از مصادیق تجاوز از حد است. وقتی که گذشت از حد در مال باشد، می‌گویند انفاق در غیر طاعت است، و اگر در افعال باشد، گذشت از حد گفته می‌شود. زیاده‌روی از گناهان نیز مصادیقی از تجاوز است نه این که معنی جداگانه‌ای داشته باشد. و تذبذب که عبارت است از صرف مال در آنچه شایسته نیست، یکی از مصادیق خرج مال در غیر طاعت است و منظور از غیر طاعت همان معصیت است و الا خرج مال در موارد مباح اسراف نیست در نتیجه پانزده معنی به پنج معنی بر می‌گردد که عبارت‌اند از:

- ۱- جهل یا اغفال؛ ۲- خطاء؛ ۳- گذشت از حد یا ضد قصد؛ ۴- انفاق در معصیت خدا؛ ۵- آنچه را عقلاً زشت می‌شمارند.

دو معنی اول، یعنی جهل و خطا، از مصادیق اسراف در مال مورد بحث نیست. لذا فقط یکی از سه معنی باقیمانده را می‌توان در مال لحاظ کرد. بلکه از آن جا که تجاوز از حد در مال از نظر عقلاً قبیح است و هر قبیحی تجاوز از حد است، معانی‌ای که می‌توان برای اسراف اراده کرد، دو معنی می‌باشد: ۱- انفاق در معصیت؛ ۲- تجاوز از حد، که از این می‌توان به انفاقی که نزد عقلاً زشت است، یا به انفاق در غیر حاجت، یا انفاق در آنچه شایسته نیست، یا انفاق در غیر آنچه حق است، یا خلاف میانه‌روی تعبیر کرد. برگشت تمام این معانی به یک معنی است. بنابراین مراد از اسراف در مال و انفاق یکی از این دو معنی است و ممکن است معنی اول «انفاق در معصیت» نیز مصداقی از مصادیق معنی دوم باشد.

بنابراین انفاق در معصیت نیز تجاوز از حد است. از آنچه گفته شد معلوم است که مقتضی کلام اهل لغت و مفسرین این است که اسراف در مال و انفاق مطلقاً تجاوز از حد است، یا تجاوز خاصی است که انفاق مال در معصیت باشد و نیز معلوم شد که بدون شک معنی دوم اسراف است یا اسراف خاصی است یا فردی از اسراف است.

علامه در تذکره ادعای اجماع کرده که این معنی نوعی از اسراف است.^۱

از آنچه گفته شد معلوم شد که در معنی اسراف سه احتمال وجود دارد:

۱. صرف مال بیش از حد مطلقاً و این ظاهر کلام کسانی است که قائل به اسراف در

کارهای خیر می‌باشند، مانند علامه در تذکره، آن جا که می‌فرماید: صرف مال در کارهای خیر پیش از آنچه شایسته است اسراف می‌باشد؛^۱

محقق سبزواری در کفایه می‌نویسد: این قول بعید نیست و ظاهر کلام مرحوم فیض در وافی هم همین است؛

آن جا که بعد از نقل مرسله فقیه علی بن حسین می‌فرماید:^۲ شخصی مالش را در راه حقی خرج می‌کند و حال آن‌که اسراف می‌کند؛ یعنی در انفاق در راه حق بیش از حد ضرورت خرج می‌کند.^۳

و نیز از ظاهر کلام برادرزاده وی در شرح مفاتیح این معنی استنباط می‌شود؛ آن جا که تفاوت بین اسراف و تبذیر را نفی کرده است. تبذیر صرف مال در راهی است که سزاوار نیست (شرح مفاتیح نسخه خطی کتاب النذر والعهد). از کلام مؤلف کتاب نزهة القلوب هم این معنی استفاده می‌شود؛ آن جا که ابن خاتون عاملی در شرح خود بر کتاب اربعین^۴ از او نقل می‌کند: در هر روز دو بار خوردن اسراف است و این قول ابراهیم نخعی نیز می‌باشد.
 ۲. صرف مال بیش از آنچه شایسته به حال اوست در غیر راه‌های خیر. این قول را در مسالک^۵ به مشهور نسبت داده و نیز این قول مجاهد است.^۶

۳. صرف مال فقط در معاصی. این قول از عباس و قتاده حکایت شده است.^۷ و این از دو معنی اول خاص‌تر است و معنی دوم از معنی اول خاص‌تر است. بدون شک معنی اخیر (صرف مال در معاصی) از اعتبار ساقط است؛ زیرا با عرف و کتاب و اخبار مستفیضه مخالف است؛ اما از نظر عرف، چون آنچه از اسراف به ذهن متبادر می‌شود، اعم از صرف مال فقط در معاصی است.

اما از نظر کتاب از آیه شریفه «أتوا حقه یوم حصاده ولا تسرفوا»^۸ و آیه شریفه «الذین اذا انفقوا لم یسرفوا»^۹. دلالت دارند بر این‌که تجاوز از حد در دادن حق و انفاق در راه خدا نیز اسراف است، خصوصاً به انضمام احادیثی که در تبیین دو آیه وارد شده. اما اخبار از جمله روایات گذشته مانند روایت داود برقی که تصریح کرده بود که انداختن هسته خرما اسراف است و مانند آن‌که از کتاب تفسیر صافی نقل شده و روایت ابن ابی یعفور که

۱. همان، ۲: ۷۶. ۲. کتابة الاحکام / ۱۱۳.

۳. الوافی ۳: ۱۶ ابواب طلب الرزق ب ۱۱.

۴. اربعین شیخ بهایی ترجمه ابن خاتون: ۴۸۶. ۵. مسالک الافهام ۱۱ / ۲۴۸.

۶. تفسیر ابن کثیر ۳: ۳۶. ۷. الجامع لاحکام القرآن ۲۳ / ۱۷۳: مجمع البیان ۷ / ۱۷۹.

۸. انعام / ۱۴۱. ۹. بقره / ۱۹۵.

متضمن تحقق اسراف در حج و عمره است و روایت حریز و عاصی که دلالت بر تحقق اسراف در وضوء دارد و مرسله فقیه که صراحت داشت که مال در راه حق بیش از حد نیاز اسراف است. و روایات دیگر غیر آنچه ذکر شد مانند روایت «حماد» از امام صادق(ع): اگر شخصی همه دارایی خود را در راهی از راه‌های خدا خرج کند کار خوبی نکرده و موفق به انجام خیر نشده است. آیا خدا تبارک و تعالی نمی‌فرماید: خود را به دست خود به هلاکت نیندازید و نیکی کنید خدا نیکوکاران را دوست دارد. منظور از «نیکوکاران» یعنی کسانی که میانه‌روی می‌کنند؛ که لازمه آن این است که خرج کردن آنچه در تصرف انسان است، خلاف اقتصاد و اسراف است و نیز مانند روایت عبدالملک ابن عمروه احول درباره این آیه شریفه «الذین اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا وکان بین ذلک قواماً».

امام صادق(ع) مثنی سنگ‌ریزه برداشتند و آن‌ها را محکم به دست گرفتند و فرمودند: این همان افتاری است که خداوند تبارک و تعالی در قرآن ذکر کرده است. سپس یک مشت دیگر برداشتند و دستش را باز کردند به طوری که همه شن‌ها ریخت و فرمودند این اسراف است. سپس یک قبضه دیگر برداشت و دستش را باز کرد و مقداری ریخت و فرمود: منظور از قوام در آیه شریفه این است. این آیه صراحت دارد که زیاده‌روی در انفاق، اسراف است.

صحیحہ عبدالله سنان از امام صادق(ع) درباره آیه «اذا انفقوا...» امام دستش را باز کرد و انگشتانش را از هم جدا کرد و مقداری را نگه داشت.^۱ روایت هشام بن مثنی از ابی عمیر: شخصی از امام صادق(ع) از آیه شریفه «وآتوا حقہ یوم حصادہ» پرسید، فرمودند: رسول اکرم فرموده‌اند: فلان بن فلان از انصار زراعتی داشت که وقتی آن را برداشت می‌کرد آن را صدقه می‌داد و در نتیجه دست خودش و خانواده‌اش خالی می‌ماند، خداوند آن را اسراف دانسته است.^۲

روایت ثقة الاسلام (کلینی) در صحیحہ بزنطی از ابن الحسن(ع) پدرم می‌فرمود: اسراف این است که کسی به هنگام جمع‌آوری محصول، هر آنچه را که در اختیار دارد صدقه بدهد. وقتی پدرم زراعتی داشت و می‌دید که یکی از غلامانش با دو دست صدقه

۱. فرقان / ۶۷. ۲. الکافی ۴: ۵۶ / ۱۹: الوسائل ۱۵: ۲۶۳ ابواب النفقات ب ۲۹ ح ۱.

۳. الکافی ۴: ۵۵ / ۵: الوسائل ۱۵: ۲۶۳ ابواب النفقات.

می دهد، امام اعتراض می کرد و می فرمود: با یک دست مشت مشت صدق بده؛ یک دسته خوش گندم سپس یک دسته خوشه گندم دیگر.^۱

در کتاب صافی درباره شأن نزول آیه «ولا تجعل يدك مغلولة...»^۲ آمده است: شخصی از پیامبر (ص) سؤال کرد پیامبر که چیزی نداشت و پیراهنش را به او داد. لذا خداوند پیامبر را متوجه میانه روی کرد. مرحوم نراقی می فرماید: این مطلب اشاره دارد به روایت بکر بن عجلان که متضمن آن معنی است و در روایتی آمده که خداوند باز داشت رسولش را از این که بخل بورزد و اسراف کند و خود عریان بماند.^۳

از موثقه سماعه از امام صادق (ع) نیز استفاده می شود که زیاده روی در خرجی دادن به خانواده گرچه از راه حلال باشد، اسراف است.

از آنچه گفتیم سقوط قول دوم که اسراف را مخصوص غیر راه های خیر دانسته بود ظاهر می شود؛ اکثر موارد یاد شده در راه خیر می باشد.

مرحوم نراقی سپس می افزاید: این که خداوند عده ای را با وجود نیاز شدیدی که دارند و دیگران بر خود ترجیح می دهند مدح می کند و می فرماید: «ویؤثرون علی انفسهم ولو كان بهم خصاصة»، با آنچه گفته شد معارض است.

روایت معاذ: از رسول الله (ص) درباره آیه شریفه «الذین اذا انفقوا...» سؤال شد؛ فرمود: کسی که در غیر حق مال خرج کند اسراف کرده و کسی که در غیر حق منع کند افتار کرده.

با توجه به آنچه گفته شد، معنی اسرافی که از آن نهی شده، معنی اول است که عبارت است از گذشت از حد، بلکه انتخاب این معنی برای اسراف اجماعی است.

سخن درباره حدی که با تجاوز از آن اسراف تحقق می یابد و نیز بیان معنی تجاوز باقی می ماند.

منظور از حد، حد استواء و وسط است که بین تقییر (تضییق) و بین اسراف است که قصد و اقتصاد نامیده می شود؛ چون قصد به معنی حد وسط و اعتدال در امور است و به این معنی خداوند سبحان در آیه شریفه «لم یسرفوا ولم یقتروا وکان بین ذلك قواماً» قوام عدل است که همان وسط می باشد آن گونه که شیخ علی بن ابراهیم - به طوری که نقل شد - تصریح کرده است.^۴

۱. الکافی ۳: ۵۶۶ / ۶، تفسیر العیاشی ۱: ۱۱۰۶ / ۳۷۹، قرب الاسناد ۳۶۸ / ۳۱۶، الوسائل / ۶.

۲. اسراء / ۲۹. ۳. نور الثقلین ۳: ۱۶۰. ۴. تفسیر فی ۲: ۱۱۷.

بلکه در مرسله‌ای که ذیل آیه «یستلونک ماذا یتفقون قل العفو» عفو را به معنی وسط گرفته است و نیز در این آیه شریفه: «والذین اذا انفقوا...» قوام به معنی وسط است. همین که در مرقومه علی بن محمد اسراف قسیم در مقابل قصد است به این معنی وارد که قوام به معنی حد وسط است. و در مرسله ابن ابی عمر از امام صادق (ع) که درباره آیه شریفه «ماذا یتفقون قل العفو» سؤال کردند فرمود: عفو به معنی وسط است.

منظور از وسطی که تجاوز از آن اسراف است آن است که عرفاً وسط نامیده شود؛ زیرا مرجع شناخت معنی حقیقی یک کلمه عرف است و وسط در عرف عبارت است: از صرف مال به مقداری که نیاز است یا در شأن شخص است. لذا هر صرف مالی که از وسط تجاوز کند اسراف صرف و انفاق مال نباشد، بلکه ضایع کردن و تلف کردن باشد یا اگر صرف است، در شأن شخص نباشد یا نیازی نداشته باشد.

به معنی اول در روایت داود برقی، که قبلاً بیان شد که انداختن هسته خرما و ریختن زیادی آب را اسراف دانسته بود، اشاره شد. به معنی دوم هم در روایت اسحاق بن عمار اشاره شد که راوی می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم مؤمن می‌تواند ده لباس داشته باشد؟ فرمود بلی، عرض کردم: بیست لباس چطور؟ فرمود بلی. عرض کردم سی لباس چطور؟ فرمود: بله. این اسراف نیست؛ اسراف این است که لباسی را که تو را حفظ می‌کند لباس کار خود قرار دهی.

در این حدیث اتلاف مال نیست بلکه تجاوز از حدی است که سزاوار است.

و نیز امیر مؤمنان، علی (ع) در روایت اصیغ بن بناته که در فقیه روایت شده به این معنی اشاره فرمود: مسرف سه علامت دارد: آنچه را لایق حال او نیست می‌خورد و آنچه را که لایق حال او نیست می‌پوشد یعنی آنچه را لایق حال و در شأن او نیست انجام داد.^۱ و به هر دو معنی با هم در روایت سلیمان بن صالح اشاره فرمود: راوی می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: کم‌ترین حد اسراف چیست؟ فرمود: لباسی را که تو را صیانت می‌کند، لباس کار خود قرار بدهی و زیادی آب ظرف را بریزی و خرما را بخوری و هسته آن را به این جا و آن جا بیندازی.^۲

و به معنی سوم در احادیث گذشته اشاره فرمود و نیز اخباری که نهی از انفاق تمام دارایی در راه خدا کرد و این که بازکردن دست و صدقه دادن به دو دست را اسراف می‌دانست، دلالت بر معنی سوم دارد.

۱. مجمع البحرین ۵ / ۶۹. ۲. الکافی ۴ / ۵۶، ۱۱۰؛ الوسائل ۳ / ۳۷۴؛ ابواب احکام الملابس ب ۲۸ ح ۲۶.

از آنچه گفته شد معلوم گشت که اسراف عبارت است از: ضایع کردن مال یا مصرف کردن آن در غیر چیزی که لایق شخص نیست یا مصرف کردن مال در چیزی که شخص به آن نیاز ندارد.

بعضی از مصادیق ضایع کردن مال عبارت‌اند از: ریختن آب، ریختن شیر یا شیره؛ روشن کردن چراغ در روز.

صرف مال در آنچه لایق شخص نیست مثل این که کسی که درآمد ندارد خانه‌اش را با اشیای قیمتی زینت کند یا این که وسیله‌ای به قیمت زیاد بخرد و از آن استفاده نکند. امام (ع) قرار دادن لباس میهمانی را لباس کار از مصادیق عنوان فوق قرار داد و به همین موضوع اشاره فرموده امام صادق (ع) در مؤلفه سماعه آنجا که می‌فرماید: چه بسا فقیری که از ثروتمند بیشتر اسراف کند. راوی می‌گوید عرض کردم: چگونه فقیر بیشتر از غنی اسراف می‌کند؟ فرمود: ثروتمند از آنچه دارد انفاق می‌کند و فقیر از آنچه به او نداده‌اند انفاق می‌کند.^۱

صرف مال در غیر نیاز مثل این که کسی مالی را صرف کند در چیزی که فایده‌ای به حال او ندارد، مثلاً اگر نیاز به دو خانه دارد، ده خانه بسازد و رها کند.

هر سه معنی که گفته شد در کلام صاحب مجمع البیان و مقدس اردبیلی جمع شده بود که اسراف را به معنی صرف مال در امور غیر عقلایی می‌دانند.

از آنچه گفته شد معلوم گشت که اقتصاد عبارت است از صرف مال در چیزی که شخص به آن نیاز دارد یا در آنچه که فایده‌ای که مقصود عقلاست وجود دارد.

از جمله فوایدی که مقصود عقلاست عبارت است از: تجمل و زینت که شرعاً هم مطلوب است به شرطی که از مقداری که سزاوار است نگذرد و نیز استفاده از مال برای نشاط جسمانی یا نفسانی که مطلوب عقلاست اسراف نیست. حدیث اسراف شامل تمام مصارف می‌شود.

لذا آنچه در اخبار آمده است که در بوی خوش^۲ یا وضو^۳ یا حج^۴ و عمره یا در

۱. الکافی ۳: ۵۶۲؛ الوسائل ۶: ۱۶۷ ابواب المستحقین الزکاة ب ۱۴ ح ۲.

۲. الکافی ۶: ۵۱۲ / ۱۶؛ الوسائل ۱: ۴۴۳ ابواب آداب الحمام ب ۹۲ ح ۲: «ما انفق فی الطب فليس بسرف» آنچه در بوی خوش استفاده می‌شود اسراف نیست.

۳. الکافی ۶: ۵۳۳ / ۱۳، عن الرضا (ع): «اسراج السراج قبل ان تغيب الشمس ينفي الفقر»؛ چراغ روشن کردن قبل از غروب خورشید فقر را از بین می‌برد.

۴. الفقیه ۳: ۱۰۲ / ۴۰۸؛ الوسائل ۸: ۳۰۵ ابواب آداب السفر ۳۵ ح ۱.

خوردنی‌ها^۱ و آشامیدنی‌ها اسراف نیست، منظور نفی حرمت اسراف در آنها نیست بلکه منظور این‌که زیادی در این امور مطلوب است و تجاوز از حدّ در این موارد بخشیده نشده است. بعلاوه، وارد شده است که در خوردنی‌ها اسراف نیست، چون‌که ضایع نمی‌شود و دیگران می‌خورند. و اگر بپذیریم که در این موارد اسراف نیست، این از باب استثنا است و خداوند به حقایق احکامش داناتر است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. الکافی: ۶/ ۲۸ / ۴؛ الخصال: ۱/ ۹۳ / ۳۷؛ المحاسن: ۳۹۹ ج ۱۷۹؛ الوسائل: ۱۶؛ ابواب آداب المائدة ب ۲۷ ح ۱ و ۳، ۳۷۵ ابواب احکام الملابس ب ۲۸ ح ۷.